



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۸/۲۰



احسان لمر

جناب معظم جمیلی صاحب

محترم جناب عبدالله نوابی

معظم بزرگوار جمیلی صاحب ارادت و احترام بی پایان می رسانم، مجدداً سالگرد تولد آن بزرگوار را تبریک گفته به جواب دو سوالی که در تاریخ 15.08.2020 در صفحه نظر سنجی این سایت وزین نموده بودید می پردازم اینکه :

1 - «با آمدن جمهوریت اول و همه معضلاتش در کابل جناب میودالی که در فرصتش خواستند حتی کاسیگین یعنی یک شخصیت و اقا دانسته و همیشه کلیدی شوروی را فرصت ملاقات بدهند چطور شده که خودشان و بذهن خودشان - منحصت یک شخصیت کلیدی بخواهش خودی و نه دعوتی! در ان حالت بحرانی وطن برای (چه ؟) عازم شوروی و بلغاریه (؟) شوند؟»

به قول از (افغانستان در 5 قرن اخیر) میر محمد صدیق فرهنگ و دگر آثار نویسندگان میوندوال شهید چند هفته بعد از کودتا 26 سرطان از عراق به کشور آمده و ملاقاتهای هم با داود خان و نعیم خان داشتند. ولی از سفر خصوصی شان به شوروی و بلغاریا چیزی نه شنیده و نه خوانده ام. در (31 سنبله 52 یا 22 سپتمبر 1973 م) یعنی دو ماه بعد از کودتا خبر دستگیری شان و نه روز بعد در شب 9 میزان 1352 خبر از شهادت محمد هاشم میوندوال دادند. تا جایی که همه فامیل ما میوندوال را می شناختیم، او آدم عادی و سست اراده نبود که دست به خودکشی بزند. در همان آوان، آوازه های در شهر کابل پخش و نشر گردید.....

2 - «زمانیکه بحیث سفیر کبیر افغانستان به واشنگتن تشریف بردند سفارت افغانستان دارای چند عضو بود ویکی هم شاه محمد دوست سکتر دوم که اهلیتتش بر دیگر اعضا زیاد چربی نمیکرد ولی چطور شد که با همه بی سابقه داری حتی تا اشنایی چه در سفارت و سپس در دور صدارت شان همین چهره مطلقاً معلوم الحال پرچمی و هم لیلیه فاکولته حقوق بیرک کارمل را بحیث مدیر قلم مخصوص شان نه تنها با خود برده و بلکه بصورت بی سابقه در امریه تقرر او به خصوص اشاره کرده بودند که با حفظ کریر سیاسی در وزارت امور خارجه و سوانح وی هم چنان در وزارت امور خارجه محفوظ باشد .

و خوب بیاد دارم که وزارت امور خارمه بعد از یک سال معاش بی کرسی منتظر به خدمت او را بریاست خدمات صدارت معرفی کرده سوانحش را نیز به ان ریاست فرستاد / که همین شاه محمد دوست در فرصتش وزیر خارجه بیرک کارغل بود....»

قبل از جواب سوال شما داستان واقعی را برای تان بنویسم که در دهه 70 میلادی یکی از بزرگواران فرزانه فامیل ما که در رشته پلیس سرحدی در المان غرب ارکان حربی شان را می گرفتند از نشر کتابی بنام «شغال سرخ» که در آن زمان نهایت مورد توجه المانی ها واقع شده بود حکایت نمودند. داستان چنین است که: روزی جوان نهایت خوش تیپ و زیبا با موتر زیبا و دسته گلی آپارتمان را زنگ می زند وقتی دختر جوان کوچه را باز می کند پسر سراغ دختری کرایه نشین قبلی را می گیرد و جواب می شنود که او در دوران جنگ کشته شده. پسر بعد از اظهار تأثر دسته گل را به این دختر داده و به تدریج روابط دوستی و عشق و علاقه شان به ازدواج منجر شد و دختر در دوران حاملگی به

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

اصلیت پسر پی می برد که او جاسوس المان شرق بوده و از وی که در دفتر صدراعظم المان کار می کند تقاضا می کند که اسناد دفتر صدراعظم را برای او عکاسی نماید و..... در پایان هر دو از المان غرب آن وقت فرار نمودند که استخبارات المان بسیار نا وقت از موضوع اطلاع یافت.

حال به حضور مبارک عرض کنم که چه تعداد اشخاص مثل شاه محمد دوست چه در دوران استیلای و رقابت (بریتانیه و تزارها) در قرون 19 و 20 بدور نظام های ما و همسایه گان ما جمع بودند و حتی در 50 ساله خانواده نادر خان بغیر از شناخته شده های چون الله نواز ملتانی - شاه جی - فضل عمر مجددی و محمد حسن خان (نقیب صاحب) و دیگران به نام معلم انگلیسی و طبیب و حتی آشپز و ملا و ملنگ و همچنان در دور بعد از کودتا سرطان هم از این گونه در کمیته مرکزی و کابینه کم نبودند.

یک همکار سابق دیگر شما در وزارت خارجه جناب معظم حامد محمود بتاريخ 29/06/2020 در فیس بوک نوشتند: «يك خاطره : مرحوم دكتور حقوقي که دفتر اعلیحضرت کار می کرد نسبت مریضی سرطان به شهر بن آمده بود. جمع از آزادی خواهان به شهر "بن" تجمع و من هم سهم داشتم. اخبار کابل اعلان وزیر خارجه شدن شاه محمد دوست را بخش کرد. مرحوم حقوقي گفت" در اواخر سلطنت اعلیحضرت در تشکیلات بر علاوه ریاست امنیت ملی (ضبط احوالات) اخذ خیر وزارت دفاع و داخله تحت نظر و حضور وزیر دفاع خان محمد خان و وزیر خارجه نور احمد خان اعتمادی و این جانب شکل یافته بود : خیر جذب و شامل شدن شاه محمد دوست. به (کي جي بي) مطرح یافت. دُفَعَاتًا نور احمد خان اعتمادی بصورت جدي. گفت. قطعاً قطعاً غلط است. و اگر او رأ نُقَر. کي جي بي. مي دانيد !!! مرا هم. بدانيد»

و محترم غلام حسن گران، در ادامه نوشته بودند که : «این موضوع حقیقت دارد ، شاه محمد دوست نه خلقی بود و نه پرچی اما چطور توانست اعتماد هر دو جناح را به گونه کامل داشته باشد جان موضوع این بود که تعدادی از چنین اشخاص تحت حمایت کی -جی- بی از شروع تاختم نظام هفت ثور مصئون بودند از قبیل : شرق ، جنرال بابہ جان ، میر طهماس روف ، جلالر ، و غیره»

حال که میوندوال مرحوم او را در سفارت امریکا با خود برد یا در دفتر صدارت آقای شاه محمد دوست نقش پسر جوان المان شرق را ایفا نمود ولی هرگز میوندوال نه گفت که «اگر او رأ نُقَر. کي جي بي. مي دانيد !!! مرا هم بدانيد». و اما اعتمادی صاحب مرحوم خدمات زیاد به دوستی افغان شوروی نمودند به شمول راه ندادن میوندوال به پارلمان - تعیین رئیس استخبارات از دوستان منافع شوروی - اجازه نشرات متعدد برای جناح پرچم ح. د. خ. و (جرايد، پرچم و کمک و ...) در پایان در دوران سفارت در مسکو به پاس آن خدمات به نقل از کتاب (محمد رحيم شيون ضيائي "شيون کابلي" نوشته محترم ولی احمد نوری چاپ شهر لیمونژ فرانسه اکتبر 2003 ص 57) جایزه لنین برایشان اعطا گردید و به تائید فرموده جناب گران صاحب پایه آن اشخاص به مراتب بالا تر رهبران حزبی دموکراتیک خلق بود بناعا آنها را نه تره کی - امین - کارمل و غیره آسیبی رسانیده نمی توانستند

آقای عبدالله یا (سردار عبدالله نوابی) از امریکا،

در قدم اول شما کوشش کنید مرحوم داود خان و نظام جمهوری او را با عصبیت ها و دو دشنام توهین تحقیر دیگران بد نام نسازید. اکثرأ شما در صفحه نظرسنجی با عصبیت همیشه گی مملو از توهین و تحقیر و دشنام سهم می گیرید اگر بجای شما یکی از فرزندان نازنین و فرزانه داود خان شهید یا استاد گرامی عزیز نعیم مرحوم می بود هرگز به ادبیات و جملات شما که موافق نمی بودند. به قول معروف «دشمن دانا بلندت میکند بر زمینت می زند نادان دوست». اگر این گونه دوام بدهید به من نه بلکه به دوستان خود. به شمول داود خان مرحوم بی حرمتی می نمائید.